

## چگونه پنتاگون ۱۵۸ میلیون دلار از سوئیس دزدید

تصور کنید وارد رستورانی می‌شوید، یک بطری شراب و یک استیک سفارش می‌دهید و پیشخدمت به شما می‌گوید: «هزینه شراب را همین حالا پرداخت کنید؛ هزینه استیک را وقتی رسید حساب می‌کنیم.» شما پول شراب را فوراً و با حسن نیت پرداخت می‌کنید. ساعت‌ها می‌گذرد. آشپزخانه ساکت است — نه شراب، نه استیک، هیچ چیز. وقتی اعتراض می‌کنید و می‌گویید که پرداخت‌های بعدی را تا وقتی چیزی واقعاً تحویل داده شود متوقف می‌کنید، مدیر با لبخند پاسخ می‌دهد: «اوه، ما پول شراب شما را قبلاً گرفته‌ایم و آن را به حساب استیک زده‌ایم. در نهایت همه‌اش یک حساب بزرگ است — سیاست ما به ما اجازه می‌دهد پول را بین سفارش‌های شما جابه‌جا کنیم هر وقت یکی از طرف‌ها کمبود داشته باشد. آشپزخانه در عقب مشغول کار است... فقط فعلاً برای میز شما نیست.»

این دقیقاً احساسی است که سوئیس در حال حاضر دارد.

در اواخر مارس ۲۰۲۶، پخش‌کننده عمومی سوئیس SRF فاش کرد که ایالات متحده به طور مخفیانه حدود ۱۲۶ میلیون فرانک سوئسی — تقریباً معادل ۱۵۸ میلیون دلار آمریکا — از پرداخت‌هایی که سوئیس کامل و به‌موقع انجام داده بود، به برنامه جنگنده‌های اف-۳۵ خود را منحرف کرده است. این وجوه داخل یک صندوق امانی مشترک واحد فروش نظامی خارجی (FMS) جابه‌جا شد تا کسری قرارداد جداگانه سوئیس برای سیستم دفاع هوایی پاتریوت را پوشش دهد، حتی با اینکه برن دقیقاً به دلیل تأخیرهای عظیم تحویل ناشی از اولویت‌دهی آمریکا به متحدان دیگر، پرداخت‌های پاتریوت را متوقف کرده بود. سوئیس، به عنوان یک مشتری نمونه که هرگز در پرداخت تأخیر نداشته، دید که پرداخت‌هایش با حسن نیت به آرامی دوباره ثبت شده تا جریان نقدی به شرکت لاکهید مارتین ادامه یابد، علی‌رغم عدم وجود هیچ پیشرفت قابل مشاهده‌ای در سفارش‌های خود.

### سفارش پاتریوت سوئیس: کاهش اولویت، نه عدم پرداخت

به عنوان بخشی از برنامه نوسازی هوایی Air2030، سوئیس پنج واحد آتش پاتریوت (باتری) به همراه حداکثر ۳۶ فروند جنگنده پنهان‌کار اف-۳۵ ای لایت‌نینگ II (که بعداً به دلیل مسائل هزینه‌ای به حدود ۳۰ فروند کاهش یافت) سفارش داد. هر دو برنامه تمام پرداخت‌ها را از طریق سیستم فروش نظامی خارجی ایالات متحده انجام می‌دهند. سوئیس هر جدول پرداخت را بدون تأخیر رعایت کرد.

تحویل پاتریوت‌ها قرار بود بین سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۸ آغاز شود. در سال ۲۰۲۵، واشنگتن ابتدا به دلیل اولویت اوکراین، تحویل به سوئیس را عقب انداخت. سپس درگیری با ایران آغاز شد و پنتاگون اولویت سفارش سوئیس را حتی بیشتر کاهش داد. تا اوایل سال ۲۰۲۶، به برن اطلاع داده شد که زمان‌بندی چهار تا پنج سال — و احتمالاً بیشتر — عقب افتاده است، در حالی که هزینه‌های برنامه تا ۵۰ درصد افزایش یافته بود، از حدود ۲ میلیارد به ۳ میلیارد فرانک سوئسی. در پاییز ۲۰۲۵، سوئیس پرداخت‌های بیشتر پاتریوت را متوقف کرد و استدلال کرد که بدون پیشرفت قابل تأیید در تولید یا تحویل، هیچ تعهدی برای ادامه پرداخت ندارد.

برنامه اف-۳۵ نیز با افزایش هزینه‌ها و فشارهای تولیدی مواجه بود، اما سوئیس همچنان پرداخت‌های مربوط به آن را به صندوق مشترک ادامه می‌داد و کاملاً انتظار داشت که دو برنامه به عنوان موجودیت‌های جداگانه 扱 شوند.

## بی‌معنایی ریاضی درگیری با ایران

این موضوع در خلأ رخ نداد. ایالات متحده و اسرائیل در جنگ علیه ایران، موشک‌های رهگیر پاتریوت را با سرعت حیرت‌آوری مصرف کردند. فقط در چهار روز اول درگیری، نیروهای آمریکایی و متحدین ۹۴۳ موشک پاتریوت شلیک کردند — تقریباً معادل کل تولید ۱۸ ماه در شرایط عادی peacetime.

هر رهگیر پاتریوت PAC-3 MSE حدود ۳٫۶ تا ۴٫۲ میلیون دلار هزینه دارد. پهپادهای ارزان ایرانی شاهد که آن‌ها را سرنگون می‌کردند، هر کدام بین ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ دلار قیمت دارند. ایران حدود ۱۰۰۰۰ فروند از این پهپادها را در ماه تولید می‌کند. ریاضیات بی‌رحم است:

- هزینه یک شلیک پاتریوت تقریباً ۱۰۰ برابر هزینه متوسط یک پهپاد شاهد است.
- با نرخ تولید فعلی (حدود ۵۰-۶۰ موشک در ماه)، بیش از ۱۶ سال طول می‌کشد فقط تا با تولید یک ماه پهپادهای ایرانی برابری کند — حتی با فرض کارایی کامل که هرگز در جنگ وجود ندارد.

حتی با وعده لاکهید مارتین برای چهار برابر کردن تولید به ۲۰۰۰ موشک در سال، ریاضیات همچنان غیرممکن است: ۱۰۰۰۰ پهپاد در ماه  $\div$  ۱۶۷ موشک در ماه = ۶۰ ماه (۵ سال) فقط برای برابری با نرخ تولید فعلی ایران — و این فرض می‌کند کارایی رهگیری کامل که در جنگ واقعی هرگز رخ نمی‌دهد.

این غیرممکن بودن ریاضی فراتر از شکست استراتژیک است — آن نشان‌دهنده نقض اساسی پایه قراردادی است. وقتی انجام تعهد به دلیل شرایط کاملاً تحت کنترل فروشنده (اولویت دادن به مشتریان دیگر به دلایل ژئوپلیتیک) از نظر ریاضی غیرممکن شود، تعهد خریدار برای انجام تعهد طبق اصول حقوق بین‌الملل ساقط می‌شود. سوئیس به درستی قضاوت کرد که این وعده افزایش تولید در برابر برتری تولیدی overwhelming ایران بی‌معنی است. تاریخ تحویل پاتریوت‌های سوئیسی عملاً به بی‌نهایت عقب افتاده بود، نه به دلیل تأخیر تولید، بلکه چون کل رویکرد استراتژیک از نظر ریاضی محکوم به شکست بود. این ارزیابی منطقی — مبتنی بر تحلیل استراتژیک، نه بی‌میلی به پرداخت — باعث شد برن پرداخت‌های مرحله‌ای را تعلیق کند.

این بی‌معنایی ریاضی دلیل واقعی بود که پنتاگون پول اف-۳۵ سوئیس را منحرف کرد. انتقال وجوه هرگز درباره کمک به سوئیس برای دریافت سیستم‌های بسیار تأخیری‌اش نبود. بلکه مانور عمدی برای استفاده از پول مالیات‌دهندگان سوئیسی به منظور تأمین مالی تلاش جنگی خود آمریکا در خاورمیانه بود — حفظ خطوط تولید فعال و جریان رهگیرها برای عملیات آمریکا و اسرائیل علیه ایران، در حالی که سفارش‌های خود سوئیس همچنان کم‌اولویت و تحویل نشده باقی مانده بودند. در واقع، سوئیس بی‌طرف مجبور شد تا همان درگیری‌ای را که تحویل پاتریوت‌هایش را غیرممکن کرده بود، یارانه دهد.

## حفره صندوق مشترک

طبق قوانین FMS، تمام پرداخت‌های سوئیس برای سلاح‌های آمریکایی — اف-۳۵، پاتریوت یا هر چیز دیگری — به یک صندوق امانی مشترک واحد که توسط پنتاگون مدیریت می‌شود، واریز می‌شود. زبان قرارداد به صراحت به ایالات متحده

اجازه می‌دهد پول را بین برنامه‌های یک مشتری جابه‌جا کند هرگاه یکی از طرف‌ها کمبود نشان دهد.

سوئیس دو قرارداد را به عنوان نقاط اهرم جداگانه در نظر گرفت و با حسن نیت عمل کرد. پرداخت‌های پاتریوت را تعلیق کرد و انتظار داشت پول اف-۳۵ برای همان برنامه محفوظ بماند. در عوض، پنتاگون به سادگی وجوه موجود اف-۳۵ را به سمت پاتریوت منتقل کرد و کاملاً از تعلیق عبور کرد. جریان نقدی به لاکهید مارتین و شرکایش ادامه یافت حتی اگر پیشرفت کمی یا هیچ پیشرفتی در تحویل‌های خاص سوئیس برای هیچ‌کدام از سیستم‌ها وجود نداشت. برای پر کردن حفره ایجادشده در بودجه اف-۳۵ خود، وزارت دفاع سوئیس مجبور شد ده‌ها میلیون فرانک اضافی از پول مالیات‌دهندگان را زودتر از موعد پرداخت کند.

## پیامدهای سیاسی در سوئیس

اورس لوه‌ر، مدیر آرماسوئیس و بالاترین مقام تسلیحاتی سوئیس، انحراف را برای SRF تأیید کرد اما فقط توانست مبلغ را علناً «مبلغی با سه رقم پایین میلیون» توصیف کند. او وضعیت را «بسیار نامرضایت‌بخش» خواند. این رویداد سؤال‌های پارلمانی در برن را برانگیخت و فراخوان‌های تازه برای تحقیق کامل را ایجاد کرد. قانون‌گذاران از طیف‌های مختلف اکنون علناً در حال بحث هستند که آیا باید سفارش اف-۳۵ را حتی بیشتر کاهش دهند یا به دنبال جایگزین‌های اروپایی (مانند سیستم SAMP/T فرانسه) برای نیازهای آینده دفاع هوایی باشند تا از این نوع وابستگی به تأمین‌کننده‌ای که شرکای کوچک و بی‌طرف را در انتهای صف قرار می‌دهد، اجتناب کنند.

## محاسبه اخلاقی و اخلاقی

هیچ دادگاه جنایی بین‌المللی وجود ندارد که این را به عنوان «دزدی» یا «کلاهبرداری» پیگیری کند. با این حال، بر اساس هر استاندارد اخلاقی یا اخلاقی — و قطعاً تحت اصول حقوق عرفی مربوط به قرارداد، حسن نیت و غنی‌سازی ناروا — مانور پنتاگون غیرقابل تمایز از معامله بدنیتی به نظر می‌رسد. سوئیس به موقع پرداخت کرد، به همه تعهداتش عمل کرد و فقط حق خود را برای متوقف کردن پرداخت‌های بیشتر در برنامه‌ای که عملاً به oblivion کاهش اولویت یافته بود، اعمال کرد.

این حادثه نقض اساسی حاکمیت را آشکار می‌کند: مالیات‌دهندگان سوئیسی که هزینه دفاع ملی‌شان را پرداخت کرده بودند، دیدند که پول‌شان به سمت تأمین مالی جنگ‌های تهاجمی آمریکا در خاورمیانه هدایت شده است. این هرگز صرفاً یک اختلاف قراردادی نبود. یک کشور بی‌طرف بود که مجبور شده بود درگیری‌هایی را یارانه دهد که کاملاً خارج از منافع امنیتی‌اش بودند، و دلارهای مالیاتی شهروندانش برای اهدافی استفاده شد که مستقیماً با سیاست خارجی دیرینه سوئیس مبتنی بر بی‌طرفی در تضاد است.

اصل **pacta sunt servanda** («توافق‌ها باید رعایت شوند») سنگ بنای حقوق بین‌الملل است. هرچند زبان فنی صندوق مشترک FMS ممکن است به ایالات متحده پوشش قراردادی بدهد، اما روح معامله — پرداخت‌های مبتنی بر پیشرفت و مرتبط با تحویل قابل تأیید — تضعیف شد. سوئیس فقط عملکردی را خواست که برای آن قرارداد بسته بود. در عوض، پولش برای تأمین مالی برنامه‌ای که به دلایل کاملاً خارج از کنترل برن کاهش اولویت یافته بود، منحرف شد.

تجربه سوئیس اکنون بخشی از سابقه رو به رشد است که نشان می‌دهد چرا کشورها باید بسیار محتاط باشند هنگام ورود به قراردادهای دفاعی با تولیدکنندگان آمریکایی. ایالات متحده شهرت وحشتناکی به عنوان پیمانکار دفاعی پیدا کرده — پیمانکاری که مشتریان دارای ارتباطات سیاسی را بر تعهدات قراردادی ترجیح می‌دهد، از حفره‌های مالی برای استخراج

حداکثر ارزش بدون توجه به تحویل استفاده می‌کند، و وابستگی می‌سازد فقط برای بهره‌برداری ژئوپلیتیک از آن. صندوق‌های مشترک راحتی اداری برای فروشنده فراهم می‌کنند اما اهرم مورد نظر خریدار را سلب می‌کنند. وقتی شما هزینه شراب را از قبل پرداخت می‌کنید و رستوران آن را به حساب استیکی می‌زند که هرگز نمی‌رسد — در حالی که آشپزی واقعی برای سفارش فوری شخص دیگری انجام می‌شود — سریع یاد می‌گیرید که واقعاً چه کسی کنترل حساب را در دست دارد.

اینکه آیا برن بتواند غرامت، جریمه یا شفافیت بیشتری استخراج کند هنوز مشخص نیست. فعلاً، این رویداد به عنوان یک مورد کلاسیک از قدرت نامتوازن در قراردادهای دفاعی ایستاده است: خریدار چک‌ها را می‌نویسد، هر مهلت را رعایت می‌کند و با این حال به انتهای صف رانده می‌شود. سوئیس هیچ اشتباهی مرتکب نشد. او فقط به سختی کشف کرد که حسن نیت همیشه متقابل نیست وقتی مصلحت ژئوپلیتیک فرامی‌خواند.